

دیدگاه های دکتر ابوالحسن بنی صدر نخستین رئیس جمهور ایران در مورد نامه احمدی نژاد به بوش



به قول سرمقاله نویس لوموند : این رژیم تنها قدرت جهان؛ امریکا را می شناسد. (این) یک اعتراف است که امریکا یک قدرت برتر جهان است. تصدیق می کند که اداره امور دنیا در دست امریکا است. منتهی به ایشان می نویسد که شما بد تصدی کردید.

دویچه وله : آقای بنی صدر؛ آقای احمدی نژاد رئیس جمهور ایران نامه ای به آقای بوش رئیس جمهور امریکا نوشته است. تحلیلهای گوناگونی از این نامه صورت گرفته است. انگیزه نوشتن این نامه توسط آقای احمدی نژاد را شما در چه می بینید؟

بنی صدر: عرض کنم به شما ؛ شنیده اید این ضرب المثل فارسی را : " از کوزه همان برون تراود که در اوست. " بنابراین در خود متن نامه است که هدفها را جستجو باید کرد. والا خواهند گفت که

شما سوء نظر دارید، وازیرون می خواهید چیزهایی را به آن نوشته نسبت بدهید که در آن نیست. به خود متن که مراجعه بکنیم ، می بینیم که اول خطاب به رئیس جمهور امریکا است. خوب معنای این چیست؟ غیر از این رئیس جمهور امریکا دولت دیگری در دنیا وجود ندارد؟ چرا!!؟ ولی معنای اینکه نامه خطاب به او است، به قول سرمقاله نویس لوموند : این رژیم تنها قدرت جهان؛ امریکا را می شناسد. (این) یک اعتراف است که امریکا یک قدرت برتر جهان است. تصدیق می کند که اداره امور دنیا در دست امریکا است. منتهی به ایشان می نویسد که شما بد تصدی کردید.

دویچه وله : جناب بنی صدر، آقای احمدی نژاد گفته است که این اولین نامه است و در آینده به دیگر سران دولتها نیز نامه هایی خواهد نوشت.

بنی صدر: خوب، حالا به دیگران هم بنویسد. حال ما داریم در مورد محتوای این نامه صحبت می کنیم. در مورد نامه های دیگر باید محتوای آنها را دید. فعلاً در این نامه مخاطب او امریکا است و محتوای نامه می گوید که آنچه در پنج قاره دنیا می گذرد، این را به امریکا نسبت می دهد. یعنی می پذیرد که امریکا قدرت اداره کننده جهان است ، منتها اعتراض می کند که شما بد اداره می کنید. ولی در خود نامه یک اشاره کوتاهی است که شما چرا پیشرفت علمی و تکنولوژیک را بر دیگران روا نمی بینید. در واقع معنای این اشاره کوتاه این است که هرگاه از راه مذاکره امریکا حاضر بشود؛ ما هم حاضریم مذاکره بکنیم. خوب ، اثر اولش این است که آن شش کشور (و) در نتیجه شورای امنیت ؛ تصمیم (گیری) را به تأخیر بیاورند، که ببینند حالا امریکا چه واکنشی نشان می دهد. در واقع هدف سوم ، هدف اول اینکه : امریکا قدرت اول جهان است، (دو م)، یک " گفتی " انجام شده و محتاج یک " گویی " است - جوابی است از جانب امریکا - در نتیجه یک تحصیل زمانی است برای اینکه شورای امنیت تصمیمش را به عقب بیاورند. غیر از اینها هنوز هدفها دارد.

دویچه وله : یعنی شما فکرمی کنید که آقای احمدی نژاد آخرین ابزارش را به خاطر مشکلات هسته ای ایران می خواهد استفاده بکند؟

بنی صدر: من می گویم نه، اومی خواهد که در یک جریان در خود رژیم که با امریکا در گفتگو بوده ، و این در واقع با نوشتن این نامه یک سبوتاژ کرده - یک خرابکاری کرده - در کار آن مذاکره کنندگان و این نامه برخلاف آنچه گفتیم که ظاهرش " گفت " است، محتاج جواب است، اما محتوای (نامه) یک رئیس قوه مجریه ای که می بایست پیشنهادات مشخصی راجع به مسائل ارائه بدهد تا بشود ریش گفتگو کرد؛ نیست. این نامه در واقع بلکه جلوگیری از آنست. یعنی می خواهد به دنیای اسلام بگوید ، به مردم استغاثه کند - که ما مظلومیم ، به خاطر آنکه در برابر زورگوییهای امریکا ، وکیل مدافع شمائیم.

خوب اگر روابطش را با اینها (امریکا) عادی کرد؛ می گویند که پس قبول کردی که باهمین هم میشود رابطه را عادی کرد. دیگر لطف کرده به زورگوییهای خود در ایران خاتمه بده. برای اینکه آنچه را که خطاب به آقای بوش نوشته است، صد (چند) بیشتر (ش) را خود با مردم ایران می کنند .

دویچه وله : آقای بنی صدر، خیلی ها معتقد اند که با این اقدام آقای احمدی نژاد خواسته است که ابتکار عمل را دست خودش بگیرد.

بنی صدر: همین را که حالا گفتیم. یک دسته رقیب دارند به رهبری آقای هاشمی رفسنجانی که اصلاح طلبها هم (در بین آنها) هستند. اینها در سال ۲۰۰۳ در همین فصلی که الان دارید شما حرف می زنید- در بهار ۲۰۰۳- موافقت آقای خامنه ای را به دست آوردند که از طریق سفارت سوئیس به امریکا پیشنهاد گفتگو کردند- در مورد همه مسائل - آن وقت آقای بوش تن به این گفتگو نداد. (در) این ایام شبکه آقای هاشمی رفسنجانی که با امریکاییها مشغول گفتگو بوده، به حکومت آقای بوش گفته است که اگر این اصلاح طلبها شکست خوردند، و این رادیکالها حاکم شدند؛ زیر سر شما امریکاییها است. حالا هم در ایران کسی که می تواند وضعیت را در درون رژیم برگرداند؛ هاشمی رفسنجانی است. هرگاه امریکا فکر تغییر رژیم را رها کند، آقای رفسنجانی می تواند اوضاع را در دست بگیرد و تحول تدریجی مثل چین و حل مشکلات (را سبب شود).

این آقا برای کارشکنی در کار آنها دست به انتشار این نامه زد، البته به این کارتها اکتفا نکرده؛ برای آنکه آن شبکه و آن گروه را فلج کنند؛ دستگیریهایی در خود ایران هم انجام داده اند.

دو پیچه وله : آقای بنی صدر، معمولاً عرف قبلی طوری بوده است که نامه را رهبران می نوشته اند. مثلاً در گذشته آقای خمینی این کار را کرده و نامه ای به گربا چوف نوشته بود. حالا چرا آقای احمدی نژاد این نامه را نوشته است، و چرا آقای خامنه ای آنرا ننوشته است؟

بنی صدر: چرا؛ به دلیل اینکه فرض کنیم که آقای خامنه ای می خواست این نامه را امضا کند، می گفتند یک مقام روحانی است در مقام ارشاد به اصطلاح: کلمه حق عند سلطان جائز- سخن حق در نزد قدرت ستمگر کرده و این مطالب... و آن دنباله سیاسی پیدا نمی کرد. آن اثری که الان برای شما توضیح دادم؛ آن نامه به جا نمی گذاشت. پند نامه ای تلقی می شد و ارشاد نامه ای. هر چند آن آقا در سر کوبگری صد بار از این مخاطب آقای احمدی نژاد اگر بدتر نباشد، بهتر نیست. این به جای خود، ولی خوب این نامه آنجوری (آن طور) تلقی می شد، چنانکه نامه آقای خمینی به آقای گربا چوف - گرچه پوشش بود- آنها واقعیت نداشت. نه اینکه خیال کنید یک ارشادی بود، آنها یک پوششی بود برای معامله ای. ظاهرش نامه بود، باطنش یک چیز دیگری.

دو پیچه وله : آقای بنی صدر، پیامد این نامه چه خواهد بود؟

بنی صدر: پیامد این نامه: حالا فرض بکنیم امریکا به این نامه جواب بدهد- فعلاً که نخواست است جوابی بدهد - اگر فرض کنیم که فشار آوردند که نخیر جواب بدهید؛ این دو جواب دارد: یک جواب اینکه می شود مثل این آقا یک جواب ایدئولوژیک و فهرست تبهکاریها که مثلاً شما به عنوان رژیم هشت سال جنگ کردید، دولت را تباه کردید، زندانهای اینجور (چنین) بود، اعدامهای اینجور بود و... در واقع این به او می گوید که تو این جنایت را کردی، آنها به این می گوید که تو این جنایت را می کنی. این کار به جایی نمی رسد. یک وقت است که می خواهد جواب سیاسی بدهد. می گوید: آقا به طور مشخص درست اینکه دنیا اینجور است، وضعیت خوب نیست، لطف فرموده شما به این خرابی اضافه نکنید. دست از تولید اتوم بردارید. این بازنوشتگی را حل نمی کند. یک جواب دیگر دارد که بگوید: بسیار خوب، من حاضرم در همین گفتگوهایی که شما با اروپاییها دارید، من هم شرکت می کنم، موضوعات مشخص اینهاست، بنشینیم باهم گفتگو کنیم.

دو پیچه وله : آقای بنی صدر به عنوان آخرین سوال می خواستم یک نتیجه گیری کنیم: آینده دولت ایران را چگونه می بینید، فکر می کنید که با امریکا کنار می آید و زنان می زند به گفته های امریکا؟

بنی صدر: امید من این است که امریکا وضعیت را بفهمد و از این دو کار حتماً چشم پیوشد: یکی تهدید ایران به جنگ و دیگری تهدید به تحریم، تا مردم ایران فرصت پیدا کنند، مجال پیدا کنند، خود را از شر این رژیم رها کنند. اگر این کار را نکرد و رفت روی فشار، بستگی کامل به این دارد که در این فشار روس و چین را هم می تواند با خود موافق بکند و یا نکند. اگر آنها را موافق بکند برای رژیم کنونی مثل دفعات قبل چاره ای نمی ماند جز جام زهر تسلیم را سر کشیدن. حالا امید من این است: اولاً مردم ایران هوشیار باشند و ابتکار عمل را خود به دست بگیرند، دوا اینکه این آقای بوش که از جهت بنیاد گرایی هیچ فرقی با آقای احمدی نژاد ندارد سر عقل بیاید و دست از فشار و تهدید خارجی نسبت به کشور ما بردارد.

دو پیچه وله : آقای بنی صدر، یک جهان سپاس و تشکر از شما